

بررسی تطبیقی جایگاه و کاربرد زبان‌های فارسی و کردی در افراد دو زبانه در شهرستان شیروان چرداول

محمدرضا احمدخانی^{۱*}، آرزو نجفیان^۲، محمدرضا کمری^۳

۱. استادیار، زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. کارشناس ارشد زبان‌شناسی، آموزش و پرورش شیروان چرداول، ایلام، ایران

دریافت: ۹۲/۷/۳

پذیرش: ۹۲/۹/۱۹

چکیده

یکی از موضوعات بحث‌برانگیزی که توجه بسیاری از محققان و کارشناسان را در دهه‌های اخیر به خود جلب کرده است، بحث دوزبانگی است. هدف از انجام این تحقیق بررسی میزان استفاده مردم از دو زبان فارسی و کردی در موقعیت‌های رسمی و غیر رسمی در شهرستان شیروان چرداول است و اینکه آیا می‌توان آن را مصداق دوزبانگی کامل یا ناقص به شمار آورد؛ بدین معنی که آیا میزان استفاده از زبان‌های کردی و فارسی در میان زنان و مردان با تحصیلات متفاوت، از بی‌سواد تا دکتری و نیز دامنه سنی کودکان زیر ۱۱ سال تا افراد بالای ۵۱ سال، در موقعیت‌های رسمی و غیر رسمی تفاوت دارد؟ و اگر پاسخ مثبت است، میزان استفاده از زبان‌های فارسی و کردی در گروه‌های مختلف چگونه است؟ برای این منظور ۳۹۴ آزمودنی از مناطق مختلف این شهرستان به صورت تصادفی انتخاب شدند. آزمودنی‌ها براساس گروه سنی (کودک: زیر ۱۱ سال؛ نوجوان: ۱۲-۱۶؛ جوان: ۱۷-۲۹؛ میانسال: ۳۰-۵۰ و مسن: بالای ۵۱ سال)، سطح تحصیلات (بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا) و جنسیت (زن و مرد) انتخاب شدند. در این تحقیق از پرسش‌نامه الگوی پژوهشی پاراشر (1980) استفاده شده است. از آزمودنی‌ها خواسته شد که دو گونه زبان فارسی و کردی را براساس یک میزان چهارگزینه‌ای «همیشه»، «اغلب»، «بعضی‌وقتها» و «هیچ‌وقت» مشخص کنند. پرسش‌نامه، حاوی ۳۶ سؤال بود که براساس درجه رسمیت حوزه‌ها (خانواده، دوستی، همسایگی، دادوستد، آموزشی و اداری) به ترتیب از غیر رسمی به رسمی مرتب شدند. پس از جمع‌آوری



پرسش‌نامه‌ها، اطلاعات توسط کامپیوتر پردازش شد. روش‌های آماری خی‌دو، کندال، آزمون تی‌جفت و واکاوی واریانس یک‌سویه، برای تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق به‌کار گرفته شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اختلاف در استفاده از دو زبان فارسی و کردی به وسیله گروه‌های مختلف سنی، تحصیلی و جنسی از نظر آماری معنادار است.

واژگان کلیدی: دوزبانگی، زبان فارسی، زبان کردی، شیروان چرداول، سن، جنسیت.

۱. مقدمه

تحول و دگرگونی زبان‌ها تحت تأثیر عوامل درون‌زبانی و برون‌زبانی، از خصوصیات ذاتی هر زبان و گویش است. عوامل مختلفی از جمله عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، روان‌شناختی و غیره در فرایند تغییر و تحول زبان دخیل هستند. در حال حاضر در تمام دنیا زبان‌هایی که به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علمی از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردارند، کاربرد بیشتری دارند و روزه‌روز بر میزان کاربردشان افزوده می‌شود؛ اما از کاربرد زبان‌ها و گویش‌های^۱ محلی که از ارزش و اعتبار کمتری برخوردارند، کاسته می‌شود و در عین حال تحت تأثیر زبان‌های دیگر قرار می‌گیرند (نک. قنبری، ۱۳۹۰). معمولاً در همه نقاط جهان زبان رسمی کشورها نسبت به زبان‌ها و گویش‌های محلی از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردار است. در ایران نیز زبان فارسی به دلیل اینکه زبان رسمی و آموزشی به شمار می‌آید، از وجهه و اعتبار بالاتری نسبت به سایر زبان‌ها و گویش‌ها برخوردار است. این زبان به‌طور فزاینده‌ای بر دامنه، نفوذ و گسترش خود در تمام حوزه‌ها افزوده و از دامنه کاربرد و گسترش زبان‌های دیگر کاسته است. در شهرستان شیروان چرداول گویش‌ها و لهجه‌های گوناگونی وجود داشته که بسیاری از آن‌ها در گذر زمان به فراموشی سپرده شده است.

گویش رایج این شهر کردی ایلامی (فیلی) بوده، اما به نظر می‌رسد به دلیل گرایش به زبان فارسی، روزه‌روز از تعداد گویشوران این زبان کاسته می‌شود. هر روز با کاهش ارزش و اعتبار اجتماعی این زبان در مقابل زبان فارسی از کاربرد آن در حوزه‌های مختلف نیز کاسته می‌شود.

پژوهش حاضر تلاشی است برای بررسی این مسئله از طریق بررسی جایگاه و کاربرد

هریک ازدو زبان فارسی و کردی در موقعیت‌های رسمی و غیر رسمی در میان جامعه زبانی شیروان چرداول. در این مقاله تأثیر عوامل اجتماعی سن، جنس، بافت موقعیت و سطح تحصیلات را بر کاربرد این دو زبان بررسی می‌کنیم. پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. میزان اثرگذاری متغیر سن (خردسالی، نوجوانی، جوانی ...) بر به‌کارگیری دو زبان فارسی و کردی چگونه است؟
۲. میزان اثرگذاری متغیر جنسیت (مذکر، مونث) بر به‌کارگیری زبان‌های فارسی و کردی چگونه است؟
۳. میزان اثرگذاری متغیر سطح تحصیلات (بی‌سواد، سیکل، دیپلم ...) بر به‌کارگیری زبان‌های فارسی و کردی چگونه است؟
۴. میزان به‌کارگیری زبان‌های فارسی و کردی در شهرستان شیروان چرداول چگونه است و دوزبانی در این شهر از چه نوعی است؟
۵. بافت موقعیت (رسمی و غیر رسمی) در به‌کارگیری دو زبان فارسی و کردی چه تأثیری دارد؟

۲. پیشینه تحقیق

پاراشر (1980) تحقیقی را درباره کاربرد زبان‌های هندی و انگلیسی بین ۳۵۰ نفر، در هندوستان انجام داد. او شش حوزه خانواده، دوستی، همسایگی، دادوستد، آموزشی و اداری را در نظر گرفت. او نشان داد که افراد در حوزه‌های غیر رسمی مانند دوستی، خانواده و همسایگی، از زبان مادری و در حوزه‌های رسمی مانند دادوستد، آموزشی و اداری، از زبان انگلیسی استفاده می‌کنند و در نهایت به این نتیجه رسید که موقعیت زبانی هندوستان یک موقعیت دوزبان‌گونه است.

فسولد (1987) تحقیقی را به کمک پرسش‌نامه روی ۴۸ نفر از سرخ‌پوستان تیوا در نیومکزیکو انجام داد. اهالی تیوا دوزبانه بودند. آن‌ها زبان محلی خود، تیوا^۲ را حفظ کردند؛ اما در زبان دوم آن‌ها تغییر عمده‌ای رخ داد. به بیان دیگر زبان اسپانیایی، به‌عنوان زبان دوم، جای خود را به زبان انگلیسی داد. ۸۰ درصد از آن‌ها زبان تیوا را زیباترین زبان دانستند. جوان‌ترها، بیش از مسن‌ها به کاربرد زبان انگلیسی تمایل داشتند و اگر افراد خارجی در جمع بودند با



آن‌ها به زبان انگلیسی صحبت می‌کردند. نتایج بیشتر، نمایانگر زوال زبان اسپانیایی، به‌ویژه در گروه چهارم (۱۱-۱۴ ساله) و تمایل به کاربرد زبان تیوا و انگلیسی بود.

تورتو (2012) با تحقیق در دانشگاه کیکوت به بررسی تک‌زبانی^۴ و دوزبانی^۵ در میان دانشجویان، کارمندان و استادان پرداخته است. در این پژوهش، او مشاهده کرد که مردان بیش از زنان و دانشجویان کارشناسی، بیش از مقاطع تحصیلی دیگر و نیز گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله بیش از گروه‌های دیگر، از دو زبان استفاده می‌کنند.

عظیم شاه‌بخش (2000) تحقیقی دربارهٔ بررسی زبان بلوچی در دانشگاه لندن انجام و نشان داده است که در بلوچستان مرکزی در همهٔ حوزه‌ها از زبان بلوچی استفاده می‌شود؛ درحالی‌که در شهرها، زبان دوم که فارسی است، در بسیاری از حوزه‌ها کاربرد دارد و زبان بلوچی فقط در خانه به‌کار رفته و زبان کوچه و بازار/ محله است. به‌طور کلی، نتیجهٔ پژوهش وی این است که در بیشتر رسانه‌های گروهی مانند رادیو و تلویزیون و در حوزه‌های کار و تجارت از زبان بلوچی استفاده می‌شود؛ اما در حوزه‌های آموزشی، زبان غالب، فارسی است.

ایمانی (۱۳۸۳) به بررسی جایگاه و کاربرد ترکی و فارسی در میان گویشوران شهر قم پرداخته و میزان کاربرد آن در افراد دوزبانه را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که در شرایط رسمی‌تر، کاربرد ترکی کاهش یافته و گرایش به سمت فارسی است.

سارا نصیری الموتی (۱۳۸۸) در پایان‌نامهٔ خود تحت عنوان بررسی جایگاه و کاربرد فارسی و گیلکی در تنکابن دریافته است که زبان مادری همسر بر میزان کاربرد دو زبان فارسی و گیلکی مؤثر است و زنان بیش از مردان از زبان فارسی استفاده می‌کنند. همچنین میزان کاربرد زبان فارسی، در بین افراد تحصیل‌کرده، بیش از افراد بی‌سواد است. میزان کاربرد زبان گیلکی، در میان افرادی که دارای همسر گیلکی‌زبان هستند بیشتر است. میزان کاربرد زبان فارسی در میان گروه‌های سنی پایین‌تر نسبت به گروه‌های سنی بالاتر، بیشتر است. همچنین میزان کاربرد زبان فارسی در حوزه‌های اجتماعی رسمی‌تر است.

طاهره کرم‌بین (۱۳۸۸) که به بررسی زبان‌های فارسی و گیلکی پرداخته، به این نتیجه رسیده است که در حوزه‌های خانواده، دادوستد، آموزشی و اداری کاربرد زبان فارسی بیش از گیلکی است. گیلکی در شهر رشت در همهٔ حوزه‌ها کاربرد دارد؛ اگرچه کاربرد آن در بعضی از حوزه‌ها کمتر از زبان فارسی است، ولی در میان گویشوران از جایگاه قابل توجهی برخوردار

است. کاربرد فارسی در سنین پایین‌تر بیشتر است و بیشترین کاربرد آن در حوزه‌های دوستی، دادوستد، همسایگی و آموزشی است. در حوزه‌های مختلف، زبان مسلط افراد دارای تحصیلات بالاتر، فارسی و افراد دارای تحصیلات پایین‌تر، گیلکی است و زبان مادری همسر تأثیر چندانی در کاربرد زبان نداشته است. شاخص جنسیت در کاربرد زبان در حوزه‌های مختلف تأثیر دارد و زنان بیش از مردان از فارسی استفاده می‌کنند. در نهایت، این نتیجه به دست آمده است که دو زبان‌گونی در شهر رشت کامل نیست.

عنایت هوشمند (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی جایگاه و کاربرد فارسی و لری در شهرستان ممسنی با توجه به بافت و موقعیت متغیرهای سن، جنس، تحصیلات و زبان مادری همسر دریافته است که در موقعیت‌های رسمی زنان بیشتر از مردان از زبان فارسی استفاده می‌کنند و نیز میزان کاربرد زبان فارسی در میان افرادی که دارای همسر غیر لری‌زبان هستند، بیشتر است. میزان کاربرد فارسی در موقعیت‌های رسمی بیشتر است و در موقعیت‌های غیر رسمی، زبان لری بیشتر کاربرد دارد. میزان کاربرد زبان فارسی در میان گروه‌های سنی پایین‌تر نیز نسبت به گروه‌های سنی بالاتر، بیشتر است.

۳. مفاهیم نظری دوزبانگی

معمولاً اصطلاح دوزبانگی را درباره افراد یا اجتماعاتی به‌کار می‌گیرند که از دو زبان در امر ارتباط استفاده می‌کنند. دوزبانگی اصطلاحی است عام که معمولاً با دو مفهوم فردی و اجتماعی به‌کار می‌رود. به این معنی که گاه این پدیده در سطح افراد، مطرح است که در این حالت با افراد دوزبانه سروکار داریم و گاه مسئله دوزبانگی در سطح جامعه مطرح می‌شود که در آن صورت، جامعه دوزبانه مورد نظر است. تعریف فرد دوزبانه چندان ساده نیست و با آنکه در این زمینه تعریف‌های گوناگونی از سوی زبان‌شناسان بیان شده است، به‌سهولت نمی‌توان یکی از آن‌ها را به‌عنوان تعریفی جامع و کامل انتخاب کرد. بنا بر تعریف هارتمن و استورک، دوزبانه فردی است که به دو زبان سخن می‌گوید و کسی که به دو زبان به‌طور مساوی تسلط دارد، دوزبانه کامل نامیده می‌شود (Hartmann & Stork, 1972: 11-27).

بلومفیلد مفهوم مشخص‌تری از این اصطلاح به دست می‌دهد و معتقد است که اصطلاح دوزبانه



را باید در مواردی به‌کار گرفت که افراد دارای تسلط یا توانایی (بومی‌مانندی)^۷ در هر دو زبان باشند (Bloomfield, 1933: 56). از سوی دیگر زبان‌شناسانی مانند هاگن تنها دانستن دو زبان (ونه الزاماً تسلط کامل بر آن‌ها) را ملاکی کافی برای دوزبانه بودن افراد دانسته‌اند (Haugen, 1972: 309). دانشمندانی که در دو-سه دهه اخیر در این زمینه تحقیق کرده‌اند، دوزبانگی را پدیده‌ای مطلق نمی‌دانند، بلکه به آن به‌عنوان یک پدیده نسبی می‌نگرند. روان‌شناس آمریکایی، هورن‌بی، معتقد است که دوزبانگی یک ویژگی مطلق نیست که یک فرد یا آن را به‌طور کامل داشته باشد یا اساساً از آن بی‌بهره باشد، بلکه این ویژگی ممکن است به درجات گوناگون (از حداقل توانایی تا تسلط کامل به بیش از یک زبان) در افراد مختلف وجود داشته باشد (Hornby, 1977: 3). اغلب دو زبانه‌ها در درجه اول به یک جامعه زبانی وابسته‌اند و تسلط آن‌ها بر زبان دوم نسبت به زبان اول، کامل و یکسان نیست. عوامل گوناگونی مانند سن یادگیری، انگیزه‌های اجتماعی و فردی، اعتبار فرهنگی و علمی زبان دوم، در یادگیری آن و درجه تسلط افراد به آن مؤثر هستند و باید به حساب آورده شوند.

فبرو دوزبانگی را به سه گونه تقسیم می‌کند: الف. *دوزبانگی فشرده* یا مرکب^۸: پدر و مادر در خانواده به دو زبان صحبت می‌کنند، در نتیجه کودک در هر دو زبان تقریباً تسلط برابر می‌یابد؛ ب. *دوزبانگی همپایه*^۹: زبان دوم قبل از دوران بلوغ در محیط خانواده و یا خارج از خانواده در مدرسه و... یادگرفته می‌شود؛ ج. *دوزبانگی تأخیری*^{۱۰}: فرد پس از دوران بلوغ زبان دوم را می‌آموزد (Vide. Fabbro, 1999).

در کنار مباحث مربوط به فرد دوزبانه، اصطلاح جامعه دوزبانه (یا چندزبانه) نیز به‌کار می‌رود. هنگامی که از یک جامعه دوزبانه/چند زبانه سخن گفته می‌شود، ممکن است منظور کشوری باشد که در آن دو یا چند زبان مختلف رایج است، اما تنها یکی از آن‌ها در سطح کشور به‌عنوان زبان مشترک یا زبان رسمی پذیرفته شده است (Vide. Romaine, 1995). در این مفهوم، ایران را می‌توان یک کشور چندزبانه^{۱۱} دانست؛ زیرا در محدوده مرزهای سیاسی آن، گروه‌های قومی گوناگون زندگی می‌کنند و هر یک به نوعی در قلمرو خود، به زبان بومی یا زبان مادری خود سخن می‌گویند، اما در عین حال، تنها زبان رسمی در این کشور فارسی است که در آموزش و رسانه‌های گروهی کاربرد منحصر به فرد دارد. برخورد میان گویندگان زبان‌های مختلف در

سطح یک جامعه یا کشور و نیازهای ارتباطی آن‌ها، سبب می‌شود که بسیاری از افراد زبان دومی را که غالباً همان زبان رسمی کشور است بیاموزند.

۴. روش و ابزار گرد آوری اطلاعات

انتخاب آزمودنی‌ها براساس گروه‌بندی تصادفی بود. عوامل مورد مطالعه در این تحقیق نیز عبارت بوده‌اند از: سن، جنس و سطح تحصیلات؛ چنانکه کوشیده‌ایم تا انتخاب آزمودنی‌ها براساس عوامل یادشده باشد. آزمودنی‌ها را از بین افراد دوزبانه ساکن در شهرستان شیروان چرداول و از سه منطقه این شهرستان به صورت تصادفی انتخاب نموده‌ایم: ۱. بخش مرکزی چرداول، ۲۰۰ نفر؛ ۲. بخش شیروان ۱۵۰ نفر و ۳. بخش هلیلان، ۴۴ نفر. آزمودنی‌ها را با توجه به پنج گروه سنی (کودکان: زیر ۱۱ سال، نوجوانان: ۱۲-۱۶ سال، جوانان: ۱۷-۲۹ سال، میان‌سالان: ۳۰-۵۰ سال و افراد مسن: ۵۱ سال به بالا)؛ سطح تحصیلات (ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس، دکترا) و جنس (مرد و زن) با مراجعه به مراکز تحصیلی، دانشگاهی و اداری انتخاب کرده‌ایم.

اطلاعات موجود در این تحقیق را از طریق مشاهده، مصاحبه و پرسش‌نامه گردآوری نموده‌ایم. اصلی‌ترین ابزار مورد استفاده، پرسش‌نامه است که آن را براساس پرسش‌نامه/گویی پاراشر (1980) انتخاب کرده و در آن اصلاحاتی انجام داده‌ایم. پاراشر شش حوزه اجتماعی، خانواده، دوستی، همسایگی، دادوستد، آموزشی و اداری را در نظر گرفته؛ حوزه‌هایی که به ترتیب از غیر رسمی به رسمی طبقه‌بندی شده بودند. در مدل پاراشر از پنج قید تکرار همیشه، معمولاً، اغلب، بعضی‌وقت‌ها و هرگز استفاده شده است. ولی در پرسش‌نامه به‌کارگرفته‌شده، قید تکرار «معمولاً» را به دلیل نزدیکی مفهوم «معمولاً» و «اغلب» به هم، در زبان فارسی حذف کرده‌ایم. پرسش‌نامه دارای ۳۶ سؤال است که در هر حوزه، شش سؤال گنجانده شده و هر سؤال ۲ قسمت دارد: ۱. فارسی ۲. کردی. شش سؤال اول در حوزه خانواده، سؤالات هفتم تا دوازدهم در حوزه دوستی، سؤالات سیزدهم تا هجدهم در حوزه همسایگی، سؤالات نوزدهم تا بیست و چهارم در حوزه دادوستد، سؤالات بیست و پنجم تا سیام در حوزه آموزشی و سؤالات سی و یکم تا سی و ششم در حوزه اداری است.

روش نمونه‌گیری تصادفی بوده و نمونه‌ها (۳۹۴ نفر) از تمام مناطق شهرستان شیروان

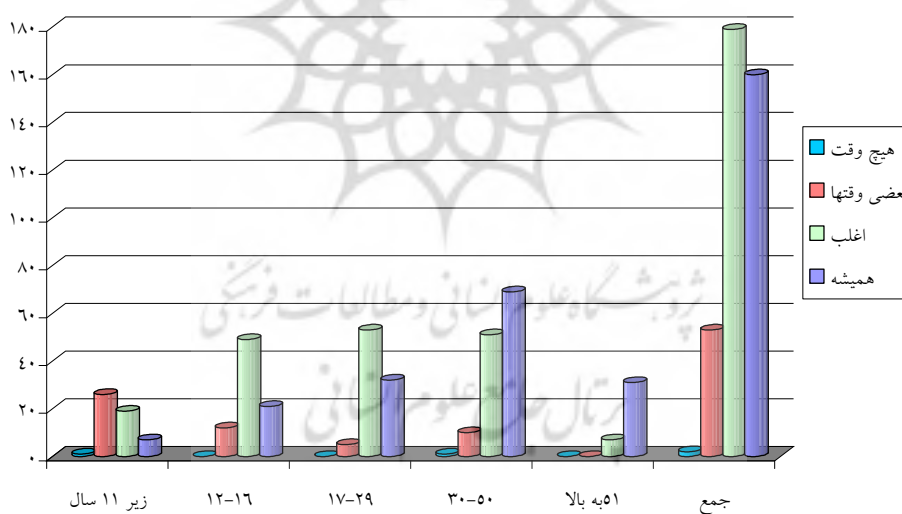
چرداول انتخاب شده‌اند. در این تحقیق درصددیم تا نقش اجتماعی زبان‌های فارسی و کردی را در شهرستان ذکرشده مشخص نماییم.

۵. تحلیل داده‌ها

در این بخش درباره نتایج روش‌های آماری بحث نموده و تأثیر متغیرها را بررسی می‌کنیم.

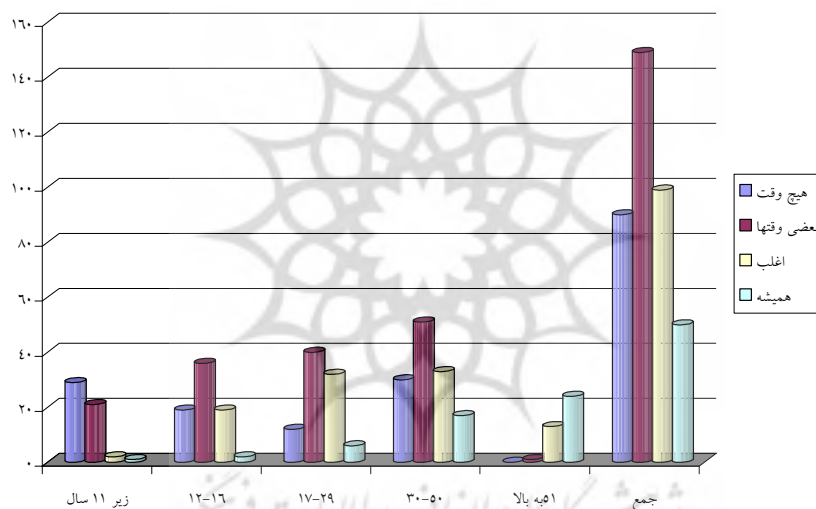
۵-۱. متغیر سن

در این بخش این سؤال مطرح است که چه رابطه‌ای بین سن افراد و میزان استفاده از زبان کردی وجود دارد؟ برای دستیابی به پاسخ، ابتدا داده‌ها را در موقعیت غیر رسمی تحلیل و براساس داده‌ها نمودار زیر را ترسیم نمودیم.



نمودار ۱ مقایسه سن و میزان استفاده از زبان کردی در موقعیت‌های غیر رسمی

برای مقایسه به‌کارگیری زبان کردی در موقعیت‌های غیر رسمی سنین مختلف، از تحلیل جدول توافقی، آزمون خی‌و، یک متغیر شامل سن در پنج سطح و متغیری دیگر شامل میزان استفاده از زبان کردی در چهار سطح استفاده نموده‌ایم. بین سن و استفاده از زبان کردی در موقعیت‌های غیر رسمی رابطه معناداری وجود دارد. به این صورت که تمام سنین در موقعیت غیر رسمی، بیشتر کردی صحبت می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد که میزان پایین پاسخ «همیشه» در گروه ۵۱ ساله به بالا نسبت به بقیه گروه‌ها، به‌جز گروه ۱۱ ساله، حاصل تصحیح افراطی باشد. درباره زبان کردی در موقعیت رسمی داده‌ها نیز نمودار زیر را ترسیم نموده‌ایم.



نمودار ۲ مقایسه بین سن و میزان استفاده از زبان کردی در موقعیت‌های رسمی

براساس محاسبات بین سطوح مختلف سن و میزان استفاده از زبان کردی در موقعیت‌های رسمی، رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که گروه آزمودنی سن جوان در موقعیت‌های رسمی، کمتر از زبان کردی استفاده می‌کنند و گروه‌های سنی بالاتر از ۵۱ سال در موقعیت رسمی، بیشتر از زبان کردی استفاده می‌کنند.

**۲-۵. متغیر جنسیت**

برای داده‌ها دربارهٔ متغیر جنسیت جدول زیر را ارائه کرده‌ایم.

جدول ۱. مقایسهٔ میزان استفادهٔ دو گروه زن و مرد در به‌کارگیری زبان کردی در موقعیت‌های غیر رسمی

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجهٔ آزادی	مقدار t	سطح معناداری
مرد	۲۰۴	۳/۳	۰/۵۹۵	۳۹۳	۱/۶	۰/۲۲۰
زن	۱۹۰	۳/۲	۰/۶۵۳			

با توجه به جدول مقدار $SD = ۰/۵۹۵$ $\bar{x} = ۳/۳$ را برای مردان و $SD = ۰/۶۵۳$ $\bar{x} = ۳/۲$ را برای زنان محاسبه نموده‌ایم. از آنجا که مقدار $t = ۱/۶$ و مقدار p بزرگتر از سطح معناداری است، بنابراین معنادار نبوده و تفاوتی در میزان استفادهٔ دو گروه زنان و مردان در موقعیت‌های غیر رسمی در به‌کارگیری زبان کردی وجود ندارد.

جدول ۲. مقایسهٔ میزان استفادهٔ دو گروه زن و مرد در به‌کارگیری زبان فارسی در موقعیت‌های غیر رسمی

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجهٔ آزادی	مقدار t	سطح معناداری
مرد	۲۰۴	۱/۷۷	۰/۵۸	۳۹۳	-۱/۹۴۶	۰/۰۴۵
زن	۱۹۰	۱/۸۹	۰/۶۵			

بررسی تفاوت میزان استفادهٔ دو گروه زن و مرد در به‌کارگیری زبان فارسی در موقعیت‌های غیر رسمی با استفاده از آزمون t نشان می‌دهد که برای گروه مرد $\bar{x} = ۱/۷۷$ و $SD = ۰/۵۸$ و برای گروه زن $\bar{x} = ۱/۸۹$ و $SD = ۰/۶۵$ است. بر این مبنای آنجا که مقدار $t = -۱/۹۴۶$ و $p = ۰/۰۴۵$ است و کمتر از سطح $۰/۰۵$ می‌باشد، معنی‌دار بوده و بین میزان استفاده از زبان

فارسی توسط دو گروه زن و مرد تفاوت وجود دارد؛ یعنی میانگین گروه زن بیشتر از گروه مرد است.

جدول ۳ مقایسه میزان استفاده دو گروه زن و مرد در به کارگیری زبان کردی در موقعیت‌های رسمی

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری
مرد	۲۰۴	۲/۲۸	۰/۹۳۵	۳۹۳	۰/۳۸۹	۰/۱۲۳
زن	۱۹۰	۲/۲۵	۰/۸۶۶			

با توجه به جدول بالا برای گروه مرد $\bar{x} = ۲/۲۸$ ، $SD = ۰/۹۳۵$ و برای گروه زن $\bar{x} = ۲/۲۵$ ، $SD = ۰/۸۶۶$ است. با توجه به اینکه مقدار $t = ۰/۳۸۹$ و $p > ۰/۰۵$ می‌باشد، بنابراین تفاوت معنادار نبوده و یا به عبارت دیگر بین میزان استفاده مردان و زنان در به کارگیری زبان کردی در موقعیت‌های رسمی تفاوت معناداری وجود ندارد.

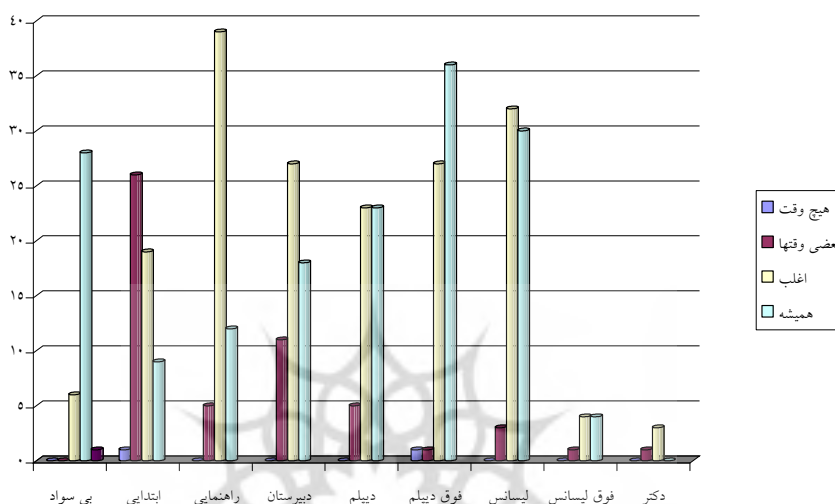
جدول ۴ مقایسه میزان استفاده دو گروه زن و مرد از زبان فارسی در موقعیت‌های رسمی

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری
مرد	۲۰۴	۲/۶۹	۰/۸۵۲	۳۹۳	-۱/۷۵۰	۰/۳۳۵
زن	۱۹۰	۲/۸۴	۰/۸۱۳			

بررسی تفاوت میزان استفاده از زبان فارسی در موقعیت‌های رسمی برای دو گروه زن و مرد نشان می‌دهد که برای گروه مردان $\bar{x} = ۲/۶۹$ ، $SD = ۰/۸۵۲$ و برای گروه زنان $\bar{x} = ۲/۸۴$ و $SD = ۰/۸۱۳$ محاسبه شده است. با توجه به اینکه مقدار $t = -۱/۷۵۰$ و $p > ۰/۰۵$ را برآورد نموده‌ایم، براین اساس، تفاوت میان دو گروه، معنادار نبوده و بین میزان استفاده دو گروه زن و مرد در به کارگیری زبان فارسی در موقعیت‌های رسمی تفاوت معناداری وجود ندارد.

۳-۵. متغیر تحصیلات

داده‌ها دربارهٔ تحصیلات، نمودار زیر را نشان می‌دهد:

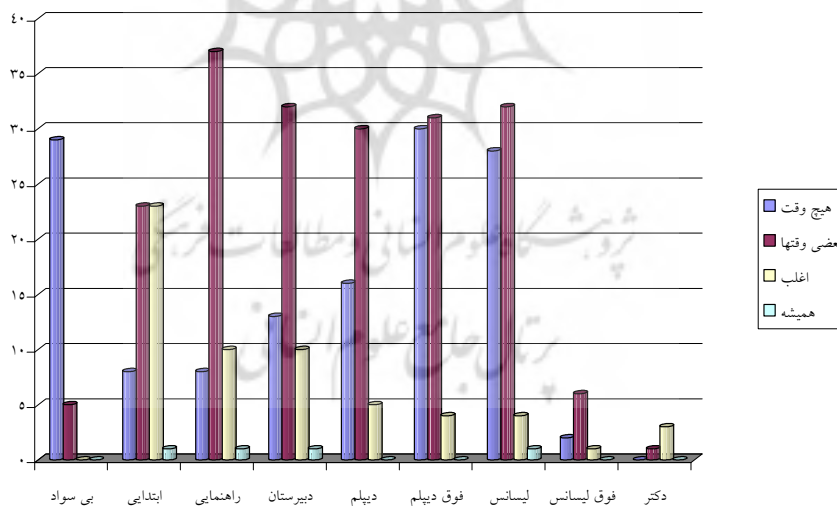


نمودار ۳ مقایسهٔ بین سطح تحصیلات و میزان استفاده از زبان کردی در موقعیت‌های غیر رسمی

با توجه به متغیر تحصیلات و میزان استفاده از زبان کردی و مقادیر محاسبه شده $\chi^2 = 1/204$ ، $p = 0/000$ و $p = 0/008$ ، $\chi^2 = 0/116$ کندانال^{۱۲}، می‌باشد، میان سطوح تحصیلات و میزان استفاده از زبان کردی در موقعیت‌های غیر رسمی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

جدول ۵ جدول توافقی مقایسه بین سطوح تحصیلات و میزان استفاده از زبان فارسی در موقعیت‌های غیر رسمی

میزان استفاده تحصیلات	هیچ وقت	بعضی وقتها	اغلب	همیشه	جمع
بی سواد	۲۹	۷	۰	۰	۳۶
ابتدایی	۸	۲۲	۲۳	۱	۵۴
راهنمایی	۸	۲۷	۱۰	۱	۵۶
دیپریستان	۱۳	۳۲	۱۰	۱	۵۶
دیپلم	۱۶	۳۰	۵	۰	۵۱
فوق دیپلم	۳۰	۳۰	۴	۰	۶۴
لیسانس	۲۸	۳۱	۴	۱	۶۴
فوق لیسانس	۲	۶	۱	۰	۹
دکتری	۰	۱	۳	۰	۴
جمع	۱۳۴	۱۹۷	۶۰	۴	۳۹۴

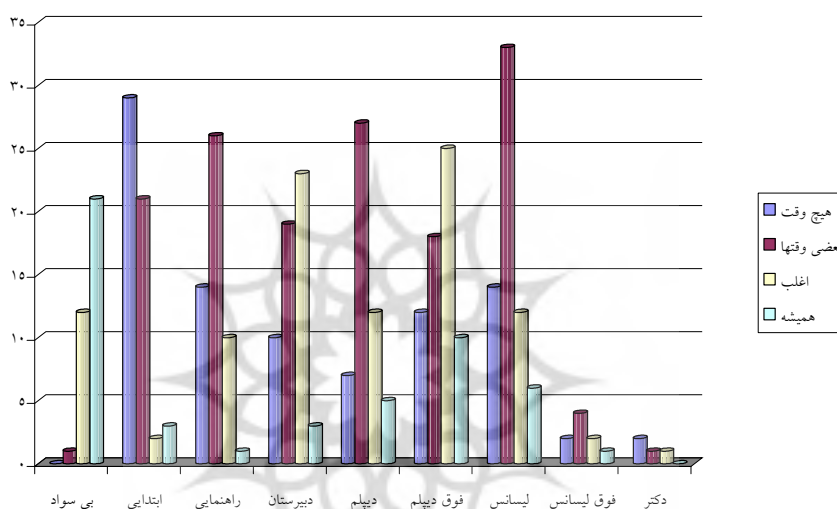


نمودار ۴ مقایسه بین سطوح تحصیلات و میزان استفاده از زبان فارسی در موقعیت‌های غیر رسمی



با توجه به متغیر تحصیلات و میزان استفاده از زبان فارسی و مقادیر محاسبه شده (0.75) $(p = 0.000, \chi^2 = 1/133)$ و $(p = 0.100, \text{کندال} = -0/)$ که کمتر از سطح 0.05 می باشد، بین سطوح تحصیلات و میزان استفاده از زبان فارسی در موقعیت های غیر رسمی رابطه معناداری وجود دارد.

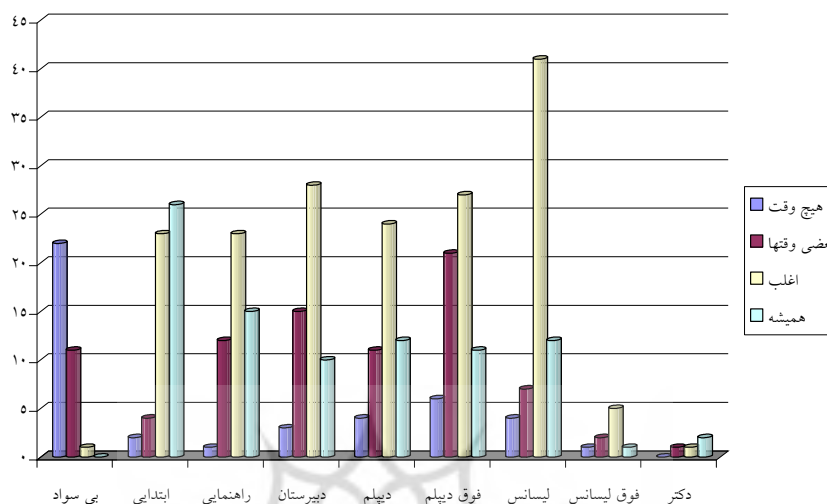
داده ها درباره زبان کردی، نمودار زیر را نشان می دهد:



نمودار ۵ مقایسه بین سطوح تحصیلات و میزان استفاده از زبان کردی در موقعیت های رسمی

برای مقایسه به کارگیری زبان کردی در موقعیت های رسمی در سطوح تحصیلات مختلف از جدول توافقی و آزمون خی دو استفاده کرده ایم. متغیر تحصیلات را از ۹ سطح و میزان استفاده را در ۴ سطح در نظر گرفته ایم. از آنجاکه مقدار $\chi^2 = 1/528, p = 0.000$ به دست آمده است که کوچکتر از سطح 0.05 می باشد، بنابراین بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد؛ ولی با توجه به مقدار محاسبه شده $(\text{کندال} = -0/023, p = 0/607)$ بین سطوح متغیرها به صورت دویبه دو رابطه معناداری به دست نیامده است.

نمودار زیر رابطه تحصیلات و کاربرد زبان فارسی را نشان می دهد:



نمودار ۶ مقایسه بین سطوح تحصیلات و میزان استفاده از زبان فارسی در موقعیت‌های رسمی

با توجه به جدول بالا که مقایسه بین سطوح تحصیلات و میزان استفاده از زبان فارسی در موقعیت‌های رسمی با استفاده از جدول توافقی و آزمون χ^2 دو را نشان می‌دهد، از آنجا که مقدار محاسبه شده ($\chi^2 = 1/608$, $p = 0/000$) کمتر از سطح $0/05$ می‌باشد، بنابراین بین دو متغیر رابطه معنی‌دار وجود دارد؛ اما با توجه به مقدار محاسبه شده ($p = 0/136$, $\chi^2 = 0/068$) بین سطوح متغیر تحصیلات و میزان استفاده به صورت دوطرفه رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل واریانس در جدول نشان می‌دهد که مقدار f محاسبه شده در درجات آزادی (۳۸۶ و ۸) از مقدار f جدول، کوچکتر است؛ بنابراین تغییرات بین میانگین استفاده از زبان کردی در شرایط غیر رسمی در سطوح مختلف معنادار است و از آنجا که مقدار $p = 0/000$ می‌باشد، تفاوت معناداری بین سطوح تحصیلات و میزان استفاده از زبان کردی در شرایط غیر رسمی وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میزان استفاده از زبان کردی در حالت کلی در سطوح مختلف وجود دارد.



۴-۵. متغیر تحصیلات و موقعیت

جدول‌های زیر کاربرد زبان فارسی و کردی را با توجه به متغیر تحصیلات نشان می‌دهد.

جدول ۶ جدول توافقی مقایسه بین سطح تحصیلات و میزان استفاده از زبان کردی در

موقعیت‌های غیر رسمی

میزان استفاده تحصیلات	هیچ وقت	بعضی وقتها	اغلب	همیشه	جمع
فوق دیپلم	۱	۱	۲۶	۳۶	۶۴
لیسانس	۰	۳	۳۱	۳۰	۶۴
فوق لیسانس	۰	۱	۴	۴	۹
دکتری	۰	۱	۳	۰	۴
جمع	۱	۶	۶۴	۷۰	۱۴۱

جدول ۷ جدول توافقی مقایسه بین سطوح تحصیلات و میزان استفاده از زبان فارسی در

موقعیت‌های رسمی

میزان استفاده تحصیلات	هیچ وقت	بعضی وقتها	اغلب	همیشه	جمع
فوق دیپلم	۶	۲۰	۲۷	۱۱	۶۴
لیسانس	۴	۷	۴۱	۱۲	۶۴
فوق لیسانس	۱	۲	۵	۱	۹
دکتری	۰	۱	۱	۲	۴
جمع	۱۱	۳۰	۷۴	۲۶	۱۴۱

بررسی جداول ۶ و ۷ نشان می‌دهد که افراد تحصیل کرده در موقعیت غیر رسمی به‌طور معناداری از زبان کردی استفاده می‌کنند؛ اما در کنار کردی، به فارسی هم صحبت می‌کنند. همچنین در موقعیت رسمی از زبان فارسی استفاده می‌کنند؛ اما در کنار فارسی، به کردی هم صحبت می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که افراد تحصیل کرده از هر دو زبان فارسی و کردی در موقعیت‌های رسمی و غیر رسمی استفاده می‌کنند و این یک نوع دوزبانگی ناقص به شمار می‌آید.

۵-۵. متغیر سن و موقعیت

در جدول‌های زیر کاربرد زبان فارسی و کردی را با توجه به متغیر سن نشان می‌دهیم:

جدول ۸ جدول توافقی مقایسه سن و میزان استفاده از زبان کردی در موقعیت‌های غیر رسمی

میزان استفاده سن	هیچ وقت	بعضی وقتها	اغلب	همیشه	جمع
زیر ۱۱ سال	۱	۲۶	۱۹	۰ ۷	۵۳
۱۶-۱۲	۰	۱۲	۴۹	۲۱	۸۲
۲۹-۱۷	۰	۵	۵۳	۳۲	۹۰
۵۰-۳۰	۱	۱۰	۵۱	۶۹	۱۳۱
۵۱ به بالا	۰	۰	۷	۳۱	۳۸
جمع	۲	۵۳	۱۷۹	۱۶۰	۳۹۴

جدول ۹ مقایسه بین سن و میزان استفاده از زبان فارسی در موقعیت‌های رسمی

میزان استفاده سن	هیچ وقت	بعضی وقتها	اغلب	همیشه	جمع
زیر ۱۱ سال	۱	۳	۲۳	۲۶	۵۳
۱۶-۱۲	۲	۲۰	۳۴	۲۱	۷۷
۲۹-۱۷	۵	۱۹	۴۹	۱۷	۹۰
۵۰-۳۰	۱۱	۳۰	۶۴	۲۵	۱۳۰
۵۱ به بالا	۲۴	۱۲	۲	۰	۳۸
جمع	۴۳	۸۴	۱۷۲	۸۹	۳۸۸

بررسی جداول توافقی ۸ و ۹ و آزمون خرد و نشان می‌دهد که بین میزان صحبت کردن به زبان فارسی و کردی در موقعیت رسمی و غیر رسمی رابطه معناداری وجود دارد. به این معنی که آزمودنی‌ها در موقعیت رسمی از زبان فارسی و در موقعیت غیر رسمی از زبان کردی استفاده می‌کنند و این همبستگی، مثبت است.



۶. نتیجه‌گیری

گروه‌های سنی (آزمودنی‌ها) در موقعیت‌های غیر رسمی (خانواده، دوستان و همسایگان) از زبان کردی استفاده می‌کنند و در موقعیت‌های رسمی (محیط اداری، آموزشی و دادوستد) از زبان فارسی استفاده می‌کنند. افراد تحصیل‌کرده در موقعیت‌های غیر رسمی از زبان کردی و در موقعیت‌های رسمی از زبان فارسی استفاده می‌کنند. همچنین بین میزان استفاده از زبان کردی در سطوح مختلف تحصیلی تفاوت وجود دارد و در سطوح مختلف تحصیلی به یک اندازه از زبان فارسی استفاده نمی‌شود. افراد تحصیل‌کرده از هر دو زبان در موقعیت‌های مختلف استفاده می‌کنند؛ یعنی دوزبانگی کامل نیست؛ زیرا گاهی اوقات در موقعیت‌های رسمی از کردی و در موقعیت‌های غیر رسمی از فارسی استفاده می‌شود. بین میزان صحبت‌کردن به زبان فارسی و کردی در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که آزمودنی‌ها در موقعیت‌های رسمی از زبان فارسی و در موقعیت‌های غیر رسمی از زبان کردی استفاده می‌کنند و این همبستگی، مثبت است.

پژوهش حاضر نتایج پژوهش‌های قبلی را تأیید می‌کند؛ اما آنچه در این تحقیق دستاوردی نو به شمار می‌آید و با پژوهش‌های دیگر متفاوت است، این است که تفاوت معناداری میان استفاده زنان و مردان در به‌کارگیری زبان فارسی نمی‌بینیم و این یافته با یافته‌های دیگر پژوهشگران متفاوت است. همچنین با توجه به اینکه در موقعیت‌های غیر رسمی مانند محیط خانواده بیشتر از زبان کردی استفاده می‌شود، بنابراین دوزبانگی از نوع همپایه (ناقص) به شمار می‌آید. یافته‌های این تحقیق و نیز پژوهش‌های دیگر انجام‌گرفته این است که هر روز بر کاربرد زبان‌های معتبر و رسمی افزوده و از کاربرد زبان‌های محلی کاسته می‌شود. بنابراین باید برای تقویت زبان‌های محلی برنامه‌ریزی کرد و با اجرای برنامه‌های متنوع از مرگ این زبان‌ها و هضم‌شدن آن‌ها در زبان‌های مرکزی جلوگیری کرد که برای نیل به این مقصود می‌توان راهکارهای زیر را برشمرد:

استفاده از زبان محلی در رسانه‌های محلی؛ استفاده از زبان محلی در کنار زبان رسمی کشور در مدارس در مقطع ابتدایی؛ تدریس زبان‌های محلی در دانشگاه‌ها به صورت انتخابی، متناسب با زبان بومی دانشجویان در همه رشته‌ها؛ اجازه نشر روزنامه و مجله به زبان یا گویش محلی؛ تشویق خانواده‌ها برای استفاده از زبان محلی در خانواده‌ها؛ واژه‌سازی برای

غنای واژگان گویش‌های محلی؛ تشویق هنرمندان، نویسندگان، شاعران، کارگردانان و... برای به‌کارگیری زبان‌ها و گویش‌های محلی.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. dialects
2. diglossia
3. Tewa
4. monolingualism
5. bilingualism
6. dominant
7. nativelylike
8. compound bilingualism
9. coordinate bilingualism
10. late bilingualism
11. multilingualism
12. kendall

۸. منابع

- ایمانی، محمود (۱۳۸۳). بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های ترکی و فارسی در شهر قم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه پیام نور واحد مرکز.
- ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶). زبان‌شناسی اجتماعی؛ درآمدی بر زبان و جامعه. ترجمه دکتر محمد طباطبایی. چ ۱. تهران: آگاه.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی قوم‌شناسی و زبانی مثل‌های بختیاری و تاجیکی». مجله جستارهای زبانی (پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی سابق). ش ۱. (بهار). صص ۱۲۱-۱۴۷.
- کرم‌بین، طاهره (۱۳۸۸). بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های فارسی و گیلکی در موقعیت شهر رشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه پیام نور واحد مرکز.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- نصیری الموتی، سارا (۱۳۸۸). *بررسی جایگاه و کاربرد فارسی و گیلکی در تنکابن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه پیام نور واحد مرکز.
- هوشمند، عنایت (۱۳۸۶). *بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های فارسی و لری در ممسنی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه پیام نور واحد مرکز.

Reference:

- Bloomfield, L. (1933). *Language*. New York: Rinehart & Javanovic.
- Fabbro, F. (1999). *The Neurolinguistics of Bilingualism: An Introduction*. Sussex: Psychology Press.
- Fasold, R. (1987). *The Sociolinguistics of Society*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hartmann, R. R. k. & F. C. Stork (1972). *Dictionary of Language and Linguistic*. London: Applied Science.
- Haugen, E. (1972). "Problems of linguistic research among scandinavian immigrants in America". *The Ecology of America*. (ed) A. Dil. Stanford: Stanford University Press.
- Hooshmand, E. (2007). *A study of Position and Use of Persian and Lori in Mamasani*. M.A. Thesis of linguistics. Tehran: Payame Noor University, Tehran Branch [In Persian].
- Hornby, P. A. (Ed.) (1977). *Bilingualism: Psychological, Social, and Educational Implications*. New York: Academic Press.
- Imani, M. (2004). *A Study of Position and Use of Turkish and Persian in Qom*. M.A. Thesis of Linguistics. Tehran: Payame Noor University, Tehran Branch [In Persian].
- Karambin, T. (2008). *A Study of Position and Use of Persia and Gilaki in Rasht*. M.A. Thesis of Linguistics. Tehran: Payame Noor University. Tehran Branch [In persian].

- Modarresi, Y. (2009). *An Introduction to Sociolinguistics*. Tehran: Humanities and Cultural studies Research Center [In Persian].
- Nasiri Alamuti, S.(2008). *A study of Position and Use of Persian and Gilaki in Tonkabon*. M.A. Thesis of Linguistics. Tehran: Payame Noor University, Tehran Branch [In Persian].
- Parasher, S. N. (1980). "Mother-tongue-English Diglossia: A case study of educated India bilingual's language Use". *Anthropological Linguistics*. Vol. 22. No.4. pp. 68- 151.
- Qanbari Adaivi, A. (2010). "A Comparative ethnographic and linguistic study of Bakhtiyari and Tajiki proverbs". *Journal of Language Related Research (Former Comparative Language and Literature Research)*. No.1. pp. 121-147 [In Persian].
- Romaine, S. (1995). *Bilingualism*. Malden: Wiley Blackwell.
- Shahbakhsh, A. (2000). "A case study of Baloch language". *An L1 Changing to an L2*. [http:// www.baloch2000.com/culture/language/-3K](http://www.baloch2000.com/culture/language/-3K).
- Torto, R. T. (2012). "Participant relationship and code choice in communication: a case of the university community of cape coast, Ghana". *Theory and Practice in Language Studies*. Vol. 8. No. 2. pp. 82- 1576.
- Trudgill, P. (1997). *Sociolinguistics: An Introduction to Language and Society*. Translated by: Mohammad Tabatabaie. Tehran: Agah [In Persian].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی